ویژه گیهای شخصیتی حضرت خدیجه (س)

مهدی ورزنه

جلد ۲-۱


بسم الله الرحمن الرحیم

ویژگی های شخصیتی حضرت خدیجه (سلام الله علیها)

نویسنده:

مهدی وزنه

ناشر چاپی:

مجهول (بی جا ، بی نا)

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

ویژگی های شخصیتی حضرت خدیجه (س)

مشخصات کتاب

نویسنده : مهدی وزنه

ناشر:مهدی وزنه

جلد ۱

چکیده

یکی از برترین زنان با شخصیت در جهان اسلام حضرت خدیجه (سلام الله علیها) هستند، بر آن شدیم هر چند مختصر برخی از این ویژگی های شخصیتی را برای تشنگان معارف اسلامی توصیف کنیم. باشد که مقبولشان افتد.

کلید واژه

خدیجه (سلام الله علیها)، ویژگی ها، شخصیت.

مقدمه

ما انسان ها دارای دو جنبه هستیم: شخصی و شخصیتی. در جنبه شخصی غالب شبیه یکدیگریم، برای رفع تشنگی و گرسنگی آب و غذا می خوریم، لباس می پوشیم ...

لیکن در جنبه شخصیتی با یکدیگر متفاوتیم. برخی دارای شخصیت های مثبت، فعال و معنوی هستیم، بلعکس برخی دارای شخصیتی منفی، پوچ، بی هویت...

کسانی که دارای شخصیت های مثبت وبرترند، می توانند بر افراد دیگر تأثیر بگذارند، و همیشه زندگی شان سرمشق دیگران، و شایسته ی مطالعه و تحقیق است.

از جمله این افراد برتر و مناسب برای الگو شدن حضرت خدیجه (سلام الله علیها) هستند.

در این مقاله به دنبال بیان برخی از ویژگی های شخصیتی این بانو در مسیر زندگی مشترکش با رسول خدا (صلوات الله علیه واله) هستیم.

۱- به یاد خدا بودن

دعا یا خواندن عاشقانه و خالصانه و پرشور خدا و راز و نیاز با آن سرچشمه ی زندگی و زیبایی و قدرت، نوعی پرستش و برترین نوع یکتاپرستی است به همین جهت دعا و نیایش در زندگی دوستان خدا جایگاه پرفرازی دارد آنان به دعا خو می

گیرند و با مناجات پرشور و شعور تا عرش خدا راه می یابند با آن به اوج آرامش می رسند و گمشده ی دل ناآرام خود را در آن می یابند و آن را دانشگاه آزادگی ها و بی نیازی ها و استقلال ها و برازندگی ها و خودسازی ها می بینند.

حضرت خدیجه (سلام الله علیها) دائماً به یاد خدا بودن و ذکر خدا را می گفتند و سرآمد زنان نیایشگر بود و حتی ایشان دو حرز مخصوص خود داشتند و مرتباً آن ذکرها را زمزمه می کردند از جمله: «بسم اللهَ الرَّحمنِ الرَّحیم؛ یاحَیُّ یا قَیّوم، بِرَحْمَتِکَ اَسْتَغیثُ فَأغِثنی، وَلا تَکِلْنِی اِلی نَفْسی طَرْفَهَ عَیْنٍ اَبَداً، وَ اَصْلِحْ لِی شَأنِی

كُلَّهُ.»؛ «به نام خداوند بخشنده ی بخشایشگر! ای خدای زنده و استوار! به رحمتت پناهنده شدم. به من پناه بده و مرا هرگز به اندازه ی یک چشم برهم زدن به خودم وانگذار، همه ی حال و زندگی من را سامان ببخش.».

و دومین حرز ایشان: «بسم اللَه الرَّحمنِ الرَّحیم؛ یـا اللُه یـا حافِظُ یا حَفیظُ یا رَقیبُ»؛ «به نام خداوند بخشنده ی بخشایشگر! ای خدا! ای نگهبان، ای نگه دارنده ی مراقب و پاسدار.»(۱)

این بانو می دانست که زندگی که با یاد خدا باشد شیرین، زیبا و دلنشین و همراه با آرامش است این ارتباط و یاد خدا مسلماً یک طرفه نیست، این خداست که به یاد بنده اش است و بنده هم به فضل الهی از خدا تمسک می گیرد، این ارتباط دو طرفه در زندگی خدیجه (سلام الله علیها) در روایتی خیلی زیبا بیان شده:

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: وقتی که در شب معراج جبرئیل من را به سوی آسمان ها برد، هنگام مراجعت به جبرئیل گفتم: «هَلْ لَکَ مِنْ حاجَةٍ؟»؛ «آیا حاجتی داری؟».

جبرئیل گفت: «حاجَتی اَنْ تَقْرَاَ عَلی خَدیجَه مِنَ اللهِ وَمِنّی السَّلام... »؛ «حاجت من این است که سلام خدا و سلام من را به خدیجه (سلام الله علیها) برسانی.».

پیامبر صلی الله علیه و آله وقتی که به زمین رسید، سلام خدا و جبرئیل را به خدیجه (سلام الله علیها) رساند، خدیجه (سلام الله علیها).

گفت: «اِنَّ اللهَ هُوَ السَّلامُ، وَ مِنْهُ السَّلامُ، وَاِلَیهِ السَّلامُ، وَ عَلی جِبرئیلَ السَّلامُ»؛ (۲) «همانا ذات پاک خدا سلام است و از اوست سلام و سلام به سوی او باز می گردد و بر جبرئیل سلام باد.».

همراهی خدیجه (سلام الله علیها) با پیامبر

صلی الله علیه و آله و دیـدن معجزات و نشـانه هایی از حضـرت، این ارتباط و به یاد و در ذکر خـدا بودن را قطعاً محکم تر می کرد، چرا که بانویی که حاضـر می شود همه ی ثروت و جان و مال خود را در راه خـدا بدهـد و از همه ی هستی اش بگـذرد، نشان دهنده ی ارتباط بسـیار عمیق و محکم او با خداست، در روایت آمده پیامبر صلی الله علیه و آله در حضور خدیجه (سلام الله علیهـا) از نیروی ولاـیت خود اسـتفاده و می خواسـتند دو چشـمان زن نابینایی را شـفا دهنـد، به همین جهت به آن زن نابینا گفتند: «قطعاً دو چشمان تو باید سلامتی خود را بدست آورند.».

در این لحظه خدیجه (سـلام الله علیها) چون هم خود زنی با خدا بود و می دانست پیامبر هم در نزد خدا دارای مقامی بالاسـت با قاطعیت گفت: «هذا دُعاءٌ مُبارَکٌ»؛ (۳) «این بینایی، نتیجه ی دعای پربرکت پیامبر صلی الله علیه و آله است.».

۲- شجاعت و کفایت

حضـرت خدیجه (سلام الله علیها) دارای امتیازات و ویژگی های شخصیتی بالایی بودند که موجب معنویت و مقدس بودن این زنـدگی بود از جمله فـداکاری های شـجاعانه و کفایت قهرمانانه هایش که مانند یاری مخلص و توانا با ایثاری کامل، از پیامبر صلی الله علیه و آله حمـایت می کرد و مـایه ی آرامش و شـادی قلب پیـامبر صـلی الله علیه و آله بود او همراه و همپـای پیـامبر صلی الله علیه و آله درگذر زمان پیش می رفت، دردها و رنج ها را شـهامت مندانه به جان خرید و شـجاعانه ایستادگی کرد و از روز آشنایی با پیامبر صلی الله علیه و آله تا بعثت و از بعثت تا گرایش به اسلام،

و از آغاز مخالفت زور مداران با پیامبر و پیام او تا اوج فشار و درد منشی دشمن و تا محاصره ی همه جانبه و تبعید، همیشه و همه جا از مال و جان و اعتبارش مایه گذاشت و از پشتیبانی نهضت و پیشوای آن دریغ نکرد و لحظه ای از برق شمشیرها نترسید و با همه ی وجود نشان داد در راه عدالت.

خالصانه و شهامت مندانه در برابر بیداد می ایستد و از سرزنش هیچ سرزنش کننده ای فریبکار و ستم پیشه ای نمی هراسد. از جمله ی نمونه های شجاعت این بانو در زندگی در قالب داستان عبارتند از:

- سال های آغاز بعثت بود، خدیجه (سلام الله علیها) می گوید:

پیامبر صلی الله علیه و آله از غار حرا به خانه برگشت، ولی بسیار ناراحت بودند، پرسیدم: «مَاالّذی اَرَی بِکَ مِنَ الکابَه وَ الحُزنِ مالَمْ اَرَهُ نیکَ مُنْذُ صُحْبَتی؟»؛ «ای پیامبر نشانه های اندوه را در چهره ات می بینم که هرگز از ابتدای زندگی مشترک تا حال تو را این طور محزون ندیده بودم علت چیست؟».

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود «یَحْزُنُنِی غیْبَهُ عَلِیٍّ.»؛ «ناپدید شدن علی علیه السلام من را نگران کرده است.»علی علیه السلام از من جدا شد و معلوم نیست در کجاست [ماجرا از این قرار بود که عده ای از مسلمانان بر اثر دوری از گزند یورش مشرکین پراکنده شده بودند در این میان بین حضرت علی علیه السلام و پیامبر صلی الله علیه و آله نیز جدایی افتاده بود].

خدیجه (سلام الله علیها) به رسول خدا صلی الله علیه و آله عرض کرد: «برشترم سوار می شوم و به جستجوی علی علیه السلام می پردازم تا به او برسم، مگر اینکه مرگ بین من و او فاصله بیندازد.».

خدیجه

(سلام الله علیها) با شجاعت تمام سوار بر شتر خود شد و در کنار کوه های مکه به جستجو ادامه می داد. ناگهان در تاریکی، قیافه ی شخصی را دید، به او سلام کرد تا از صدای جواب سلام بفهمد که آیا او علی علیه السلام است یا شخص دیگری است.

او علی علیه السلام بود گفت: «و علیک السَّلامُ ...و بر تو باد سلام، آیا تو خدیجه (سلام الله علیها) هستی؟».

خدیجه (سلام الله علیها) گفت: آری، و بعد شترش را خواباند و به علی علیه السلام گفت: «پدر و مادرم به فدایت، سوار شتر شو.».

علی علیه السلام فرمود: «تو از من سزاوارتر هستی که بر شتر سوار شوی، پیش پیامبر صلی الله علیه و آله برو و به او خبر بده تا من بیایم.».

خدیجه (سلام الله علیها) به خانه رسید، دید پیامبر صلی الله علیه و آله در کناری ایستاده و دست به سینه اش می کشد و سه بار این دعا را می خواند: «اَللَّهُمَ فَرِّج هَمّی وَ بَرِّد کِبَدِی بِخَلیل عَلِیٍّ ابْنُ اَبی طالبٍ.»؛ (۴) «خدایا! اندوهم را برطرف کن و دلم را به دیدار خلیل و دوستم علی علیه السلام خنک کن.».

خدیجه (سلام الله علیها) به پیامبر گفت: «خداوند دعایت را مستجاب کرد، بر تو مژده باد.».

پیامبر صلی الله علیه و آله با شنیدن این مژده بلند شد و دست هایش را به سمت آسمان بلند کرد و یازده بار گفت: «شُکراً لِلْمُجیب، شُکراً لِلْمُجیب... »؛ (۵) «از درگاه خداوند اجابت کننده ی دعا، شکر و سپاسگزاری می کنم.». – از نمونه های دیگر شجاعت خدیجه (سلام الله علیها) :

در سال ششم یا پنجم بعثت بود، که این آیات بر قلب پیامبر صلی الله علیه و

آله نازل شد، که: «فَاصْدَعْ بِما تُؤْمَرُ وَ أَعْرِضْ عَنِ الْمُشْرِكينَ، إِنَّا كَفَيْناكَ الْمُسْتَهْزِئينَ، الَّذينَ يَجْعَلُونَ مَعَ اللَّهِ إِلهاً آخَرَ فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ»؛ (۶) «پس تو به صدای بلند آنچه مأموری به خلق برسان و از مشرکان روی بگردان. همانا ما تو را از شرّ تمسخر و استهزا کنندگان مشرک محفوظ می داریم. آنان که با خدای یکتا خدایی دیگر گرفتند بزودی خواهند دانست.».

به خاطر همین رسول خدا صلی الله علیه و آله در مراسم حج بر بالای کوه صفا رفت، با ندایی بلند سه بار فرمود: «یا اَیُّها النّاسُ اِنِّی رَسُولُ اللهِ رَبُّ العالَمین»؛ «ای مردم! من رسول خداوند پروردگار جهانیان هستم.».

مردم به سوی آن حضرت آمدند و متوجه او شدند، سپس رسول خدا صلی الله علیه و آله بر بالای کوه مَرْوه رفتند و دستش را بر گوششان گذاشتند و سه بار با صدای بلند فرمود: «یا اَیُّها النّاسُ اِنِّی رَسُولُ اللهِ»؛ (۷) «ای مردم! من رسول خدا هستم.».

در این هنگام بت پرستان با چهره ی خشم آلودی به او نگاه می کردند، ابوجهل آنچنان سنگی به سوی آن حضرت انداخت، که بین دو چشمانش شکست، سایر مشرکین هم به دنبال ابوجهل به آن حضرت سنگ پرتاب می کردند.

رسول خدا صلی الله علیه و آله با عجله به طرف کوه رفتند، و بر بالای آن به سنگی تکیه دادند، مشرکین باز هم به دنبال رسول خدا بودند و به هر طرف می دویدند. در این هنگام مردی پیش حضرت علی علیه السلام [در آن هنگام حدود سیزده سال داشت] آمد و گفت: «محمد صلی الله علیه و آله کشته شد.».

حضرت علی علیه السلام سراسیمه به خانه ی خدیجه (سلام الله علیها) رفت

و در را کوبید، خدیجه (سلام الله علیها) پشت درآمد و فرمود: کیست؟ علی علیه السلام گفت: من هستم.

خدیجه (سلام الله علیها) پرسید: محمد صلی الله علیه و آله کجاست؟

علی علیه السلام گفت: خبر ندارم، ولی شنیدم که مشرکین او را سنگ باران کرده اند. حالا نمی دانم که او زنده است یا کشته شده است؟ مقداری آب و غذای «حیس» (که یک نوع حلوا بود از خرما و روغن و آرد درست می شد) به من بده و با من بیا تا به دنبال او برویم که مسلماً آلان تشنه و گرسنه است.

خدیجه (سلام الله علیها) غذا و آب را برداشت و از خانه بیرون آمد و همراه علی علیه السلام به طرف کوه حرکت کردند تا به کوه رسیدند، حضرت علی علیه السلام به خدیجه (سلام الله علیها) فرمود «تو به طرف دره ی کوه برو و من به بالای کوه می روم.».

علی علیه السلام فریاد زد: «ای رسول خدا صلی الله علیه و آله جانم به فدایت کجا هستی؟ و در کدام گوشه افتاده ای؟».

حضرت خدیجه (سلام الله علیها) هم با آهی می گفت: «مَنْ اَحَسَّ لِیَ النَّبِیِّ المُصطَفی؟ مَنْ اَحَسَّ لِیَ الرَّبیعَ المُرتَّضی؟ مَنْ اَحَسَّ لِیَ المَطرودَ فِی الله؟ مَنْ اَحَسَّ لِیَ اَبَالقاسِم»؛ «چه کسی از پیامبر برگزیده برای من خبر می آورد؟ چه کسی از بهار پسندیده به من اطلاع می دهد؟ چه کسی از آن شخصی که در راه خدا رانده شده من را آگاه می کند؟ چه کسی از ابوالقاسم من را با خبر می نماید!؟».

در این لحظه جبرئیل بر پیامبر صلی الله علیه و آله فرود آمد، وقتی که پیامبر صلی الله علیه و آله او را دید اشک از چشمانش سرازیر

شد و فرمود: «می بینی که قوم من با من چه کردند؟ من را تکذیب کردند و از جامعه راندند، به من حمله کردند.».

جبرئیل عرض کرد: «ای محمد! دستت را به من بده» و بعد دست آن حضرت را گرفت و او را به بالای کوه نشاند و فرش مخملی بهشتی از زیر پرش بیرون آورد و آن را بر زمین کوه انداخت و پیامبر صلی الله علیه و آله را روی آن نشاند و بعد فرشتگان مقرب هرکدام پس از دیگری به خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله می آمدند و از او اجازه خواستند، تا مشرکین را نابود و هلاک کنند، ولی پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «من به عنوان عذاب رسانی مبعوث نشده ام، بلکه به عنوان رحمت برای جهانیان برانگیخته شده ام: «دَعُونِی وَ قَوْمِی فَاِنَّهُمْ لایَعْلَمُونَ»؛ «من و قومم را به خود واگذارید، آن ها ناآگاه هستند.».

در این هنگام جبرئیل به حضرت خدیجه (سلام الله علیها) نگاه کرد که در کوه به دنبال گم شده ی خود است، به رسول خدا عرض کرد: «من ربّها وَ منّی السَّلامُ، وَبَشّرها بَیتٍ فِی الجَّنَه مِن قَصبٍ لاصَحبٍ فِیه وَ لانَصبٍ.»؛ «آیا به خدیجه (سلام الله علیها) نگاه نمی کنی که فرشتگان آسمان از گریه ی او گریه می کنند، او را صدا بزن، و سلام من را به او برسان، به او بگو خداوند به تو سلام می رساند، و او را مژده ی بهشت.

بده که در آن خانه ای از یک قطعه ی بلورین ساخته شده و آراسته به طلا است، و در آن هیچ گونه زنج و نگرانی نیست.».

پیامبر صلی الله علیه و آله خدیجه (سلام الله علیها) را دید و

او را صـدا زد، در حـالی که از صورت پیـامبر صـلی الله علیه و آله خون روی زمین می ریخت و پیامبر آن خون ها را پاک می کرد. خـدیجه (سـلام الله علیها) وقتی که به رسول خدا صـلی الله علیه و آله نزدیک شد و چهره ی خون آلود او را دید با آهی جان کاه گفت: «پدر و مادرم به فدایت، بگذار قطرات خون چهره ات بر زمین بریزد.».

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «می ترسم، پروردگار زمین بر اهل زمین غضب کند.».

وقتی که شب شد، پیامبر صـلی الله علیه و آله از فرصت اسـتفاده کردند و همراه علی علیه السـلام و خدیجه (سلام الله علیها) به خانه رفتنـد خـدیجه (سـلام الله علیها) در خانه ی خود، آن حضـرت را در حجره ای که دیوارهایش با سـنگ ساخته شـده بود، قرارداد و سقف آن را با تخته سنگ هایی پوشاند و در روبه روی آن حضرت ایستاد و او را در جامه اش پنهان کرد.

مشـرکین آمدنـد و به سوی جایگـاه پیامبر صـلی الله علیه و آله سـنگ می انداختنـد، و از هر طرف سـنگ می آمـد، دیوارها و سقف سنگی محل پیامبر، مانند سپر، مانع از آمدن سنگ ها می شد و آن سنگ هایی که از طرف روبه رو می آمدند، خدیجه (سلام الله علیها) با شجاعت و شهامت بسیار خود را سپر آن سنگ ها قرار می داد تا به بدن نازنین همسرش پیامبر صلی الله علیه و آله برخورد نکنـد در این هنگـام خـدیجه (سـلام الله علیهـا) فریـاد می زد: «ای گروه قریش! آیـا زن آزاد را در خانه ی خود سنگ باران می کنید؟».

وقتی که مشرکین این فریاد را شنیدند، منصرف شدند و از آنجا رفتند.

فردای آن روز پیامبر صلی

الله علیه و آله از خانه خارج شد و کنار کعبه رفت و در آنجا نماز خواند و به راز و نیاز با خدا پرداخت. (۸)

۳- حیا و عفت

عفت، یکی از صفات نفسانی است که شهوت نیروی سرکش را مهار می کند. عفت و حیا، تمام.

حرکات و سکنات و گفتار و قلم انسان را کنترل می کند تا آنچه را که دلش می خواهد نکند و هرچه را نفسش اراده کرد به قلم و زبان نیاورد و انجام ندهد. این حالت پسندیده ی روحی و روانی و این منش مترقی از ویژگی های انسان خردمند و خردورز است، از عوامل مهم و مؤثر روانی و مردمی در جلوگیری از قانون گریزی و مرز شکنی و خودکامگی و خودسری است و از راه کارها و ابزارهای لازم برای ساختن جامعه و تمدن و محیط و شرایط و فضای اجتماعی و سیاسی و قضایی و اقتصادی مطلوب برای تأمین حقوق و حرمت و آزادی و امنیت انسان ها و باعث وجاهت و زیبایی و کرامت و آبروی فرد و جامعه و خانواده و نظام در برابر خدا، خویشتن، افکار عمومی، و تاریخ است.

در کل حیا برای هر انسانی نیکو است، اما در بانوان و زنان نیکوتر و پسندیده تر است، این ویژگی شخصیتی در حضرت خدیجه (سلام الله علیها) نیز بسیار بارز و نمونه بود.

آن بانو در زندگی شان در برخورد با نامحرم همیشه از پشت پرده و حجاب صحبت می کردند، حتی در جلسه ی خواستگاریشان، به نقل تاریخ از پشت پرده صحبت می کردند مگر جایی که با پیامبر صلی الله علیه و آله صحبت های آخر را کردند. (۹)

از نمونه های دیگر عفت و حیا، مخصوصاً در شب هایی که

پیامبر صـلی الله علیه و آله نبودنـد، این بود که شبی که به امر الهی چهل شب را دور از همسـر خود بودند، نوشـته شده که این بانو سرخود را در هنگام شب می پوشاندند و پرده ی در را می انداختند و در خانه را می بستند. (۱۰)

این هـا همه نشـانه هـای عفت و حیـاست، آن هم درزمـان هـای جـاهلیت و تیر و تاریـک که چنین رفتارهـایی را نمی توان در شخصی سراغ گرفت.

از بارزترین نمونه ی حیا و وقار خـدیجه (سـلام الله علیها) را می توانیم در لحظات آخر زندگی شان پیدا کنیم. او در آن لحظه خود را از خـدا طلبکـار می دانست و نه از پیـامبر صـلی الله علیه و آله، به همین خاطر از پیامبر صـلی الله علیه و آله خواست که دعایش را بـدرقه ی راه او کنـد، از درگاه الهی برایش آمرزش بطلبد و قبل از به خاک سپردنش لحظاتی خود پیامبر صـلی الله علیه و آله در قبر او وارد و با نماز و دعایش آنجا را پر از برکت کند.

پس از آن یک تقاضای مادی از همسرش داشت ولی احساس شرم و حیا به او اجازه ی مطرح.

کردن آن را نمی داد، به خاطر همین پیامبر صـلی الله علیه و آله، خدیجه (سـلام الله علیها) و دخترش فاطمه (سـلام الله علیها) را تنها گـذاشت و بیرون آمـد، او به دخترش گفت: «یاحَبیبِی وَ یاقُرَّهَ عَیْنِی! قَولی لابیکَ انَّ اَمّی تَقولُ اَنَا خائِفَهٌ مِنَ القَبراُریـدُمِنکَ رَدائـکَ الـذّی تَلِبسُهُ حینَ نُزُولِ الوَحیُ تَکَفِّنُنِی فیه»؛ «هـان ای محبوب مادر، نور چشـمم، به پـدر گران قـدرت بگو، مادرم می گوید من از خانه ی قبر، شب اول قبر و تنهایی در قبر نگرانم و می ترسم،

از شـما تقاضا دارم یکی از جامه های خود را که به هنگام فرود فرشـته ی وحی و دریافت پیام خـدا و راز و نیازهای شـبانه می پوشیدید، به من هدیه کنید تا پس از مرگ، بدنم را با آن کفن کنم.»(۱۱)

فـاطمه (سـلام الله علیها) تقاضای مادر را به پـدر گفت، و پیامبر صـلی الله علیه و آله خواسـته ی یارش را انجام داد و بلافاصـله ردایش را به فاطمه (سلام الله علیها) دادند و او هم آن ردا را با خوشحالی پیش مادر برد.

برای پیامبر صـلی الله علیه و آله این لحظات بسـیار سـخت بود، زیرا پیامبر صلی الله علیه و آله به خدیجه (سلام الله علیها) خیلی علاقه داشت، خـدیجه (سـلام الله علیها) حتی در آخرین لحظات عمرش، حیا و عفتش، را که یکی از عواملی بود که گرمی و آرامش کانون خانواده و تداوم زندگی و عشق و علاقه به همسرش را بیشتر می کرد، حفظ کرد.

اصولاً نظام خانواده در اسـلام بر پایه ی حیا و عفت و ایمان و تقوا استوار شده، اگر زن دارای حجاب و حیا باشد، شوهرش هم دارای چشم پـاک و آرامش خـاطر او خواهـد بود، امـا اگر زنی از بی بنـدوباری جهـان غرب تقلیـد کنـد، نه تنهـا کـانون گرم خانواده را به هم می زند بلکه در جهنم ابدی و دائمی خواهد سوخت.

۴– بخشندگی و سخاوت

– نمونه ی بارز بخشـندگی و سخاوت خدیجه (سلام الله علیها) از همان زمانی که این پیوند مقدس شکل گرفت بیشتر به چشم می خورد، مخصوصـاً آنجـایی که به ورقه گفت: هرچه در دست من است از مـال و عبـد هبه کردم به محمـد، هر طور که می خواهد تصرف کند،

پس ورقه فریاد زد: ای جماعت عرب، خدیجه (سلام الله علیها) خودش و مالش و بنده هایش و تمام آنچه که در ملک اوست را به پیامبر هبه کرد.

– زهری می گوید: «خدیجه (سلام الله علیها) به پیامبر صلی الله علیه و آله انفاق کرد، ۴۰ هزار، ۴۰ هزار» (۱۲)

– پیامبر صلی الله علیه و آله نیز در مورد بخشش و بزرگی او فرمایشاتی دارند از جمله: «ما رَأیتُ مِنْ صاحِبَهٍ.».

لاَجیرٍخَیراً مِنْ خَدیجه، مالُنّا نَرْجِعْ اَنَا وَصاحِبی الاّ وَجِدْنا عِنْدَنا تُحْفَةً مِنْ طَعامٍ تَخْبَاَهُ لَنَا؛ (۱۳) «من کارفرمایی پرمهرتر و حق شناس تر و بهتر از خدیجه (سلام الله علیها) نسبت به کارکنان و کارگزارانش ندیدم. هرگاه من و دوستم پس از کار، پیش او می رفتیم، می دیدیم غذایی گوارا برای ما آماده کرده و آن را به ما هدیه می داد و بزرگ من شانه و انسانی رفتار می کرد.».

– در جریان محاصره ی چندساله ی پیامبر به همراه یاران هاشمی و دیگران در دره ی ابوطالب (شعب ابوطالب) یکی از عوامل پایداری پیامبر صلی الله علیه و آله و مردم با ایمان، بخشندگی و بزرگ منشی و سخاوت جناب ابوطالب و جهاد مالی خدیجه (سلام الله علیها) بود که گفته اند: «واَنْفَقَ اَبوطالبٍ وَ خَدیجَهَ جَمیعَ مالَهُما»؛ (۱۴) «ابوطالب و خدیجه برای نجات مردم، همه ی ثروت و امکاناتشان را در این راه خرج کردند.».

– به راین اساس است که بسیار در تاریخ آمده: «کَفاها شَرَفاً فَوقَ شَرَفٍ اَنَّ الاِسلامَ لَمْ یَقُمْ اِلاّ بِمالِها وَ سَیْفَ عَلِیٍّ بْن اَبی طالبٍ کَمارُوِیَ مُتَواتِراً»؛ (۱۵) «همین افتخار و شرافت که برترین افتخار و شرافت است برای خدیجه (سلام الله علیها) بس که آیین

اسلام پا نگرفت و کمر راست نکرد مگر با ثروت خدیجه (سلام الله علیها) و شمشیر علی علیه السلام چنان که این مطلب به طور متواتر (یعنی بسیار که موجب علم است) نقل شده است.».

پی نوشت ها

۱- سید بن طاووس حسنی، منهج الدعوات، ص ۵؛ ابراهیم بن علی عامل کفعمی، مصباح کفعمی، ص ۳۰۲؛ سید بن طاووس، الإقبال، ص ۱۳۷.

۲- طوسی، امالی طوسی، ص ۱۷۵؛ راوندی، الخرائج و الجرائح، ج ۲، ص ۵۲۹؛ سیدهاشم بحرانی، البرهان فی تفسیرالقرآن.

ج ۳، ص ۴۹۳؛ محمد رضا قمی مشهدی، تفسیرکنز الدقائق و بحرالقرائب، ج ۷، ص ۳۴۹؛ ابن حجر عسقلانی، الاصابه فی معرفه الصحابه، ج ۸، ص ۱۰۲؛ محمدبن یوسف صالحی شامی، سبل الهدی و ارشاد فی سیره خیر العباد، ج ۱۱، ص ۱۵۷.

۳- ابن مقازلی شافعی، مناقب الامام علی ابن البیطالب، ج ۱، ص ۸۳؛ محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۱۸، ص ۱۷.

۴- ابوالقاسم فرات بن ابراهیم کوفی، تفسیر فرات کوفی، ص ۵۴۷؛ سیلاوی، الانوارالساطعه من الغراءالطاهره خدیجه بنت خویلد، ص ۳۴۸.

۵- عمادالدین طبری، بشارت المصطفی، ص ۲۱۷.

۶- سوره حجر (۱۵)، آیات ۹۴ تا ۹۶.

۷- سیلاوی، همان، ص ۱۵۹، برگرفته از بحارانوار، ج ۱۸، ص ۲۴۱.

۸- محمدباقرمجلسی، همان، ج ۱۸، ص ۲۴۳؛ محمدصادقی تهرانی، الفرقان فی تفسیرالقرآن بالقرآن، ج ۱۶، ص ۲۴۸؛ عزالدین ابن اثیر، اسدالغابه، ج ۶، ص ۸۶؛ ابن حجرعسقلانی، همان، ج ۸، ص ۱۰۲؛ احمد بن علی مقریزی، امتاع الاسماع، ج ۶، ص ۲۵؛ محمد بن یوسف صالحی شامی، همان، ج ۷، ص ۱۴۸؛ علی بن عیسی اربلی، کشف الغمه، ج ۱، ص ۵۰۸.

۹- سیلاوی، همان، ص ۱۰۰؛ محدث نوری، مستدرک وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص

۲۰۳؛ محمدباقرمجلسی، همان، ج ۱۶، ص ۶۹؛ ذبیح الله محلاتی، ریاحین الشریعه، ج ۲، ص۲۱۴.

۱۰- علی بن یوسف حلی، العدد القویه، ص ۲۱۹؛ سیلاوی، همان، ص ۱۲۷.

۱۱- سیلاوی، همان، ص ۳۷۵؛ ذبیح الله محلاتی، همان، ج ۲، ص ۲۰۳.

۱۲- محمدالحسون، اعلام النساء، ص ۳۲۱.

۱۳- ابن سیدالناس، عیون الأثر، ج ۱، ص ۶۴؛ یاقوت حموی، معجم البلدان، ج ۱، ص ۲۱۱؛ بیهقی، دلائل النبوه، ج ۱، ص ۹۰.

۱۴- قطب الدین راوندی، همان، ج ۱، ص ۸۵؛ محمدباقرمجلسی، ج ۱۹، ص۱۶.

۱۵- عبدالله مامقامی، تنقیح المقال من فضل النساء، ج ۳، ص ۷۷.

جلد ۲

۵- شریک و مشاور همه

مشارکت و همکاری در خانواده خود یک نوع محبت کردن است که زندگی را شیرین و شیرین تر می کند، خدیجه (سلام الله علیها) شریک و مشاور واقعی پیامبر صلی الله علیه و آله بودند مخصوصاً در دغدغه های پیامبر، وزیری توانا و کارآمد بودند، همواره همدم، مونس، یار مخلص و شریک و غم خوار پیامبر بودند، هر حادثه ای که موجب ناراحتی پیامبر می شد، خداوند به وسیله ی خدیجه (سلام الله علیها) گشایش در کار او ایجاد می کرد و او موجب تسکین و رفع اندوه، و آرامش پیامبر می شد و این برنامه تا پایان عمرشان ادامه داشت و کم نمی شد، و در همه ی صحنه های پرخطر و سرنوشت ساز، همچون: اعلام بعثت و دعوت در آن فضای پر از تعصب و تاریک اندیشی، در اقامه ی نماز و فرهنگ آن، در دعوت بستگان و نزدیکان (۱۶)، در بیعت با خدا و دین و آیین و پیامبر، آن بانو در تمام مشکلاتی که در طول زندگی پیامبر صلی الله علیه و آله رخ داد مخصوصاً در سال های پس از انگیزش پیامبر به رسالت

و پس از دعوت آسمانی او و فرود آیات که با نفی پر ظالمانه بیدادگران همراه بود، نه تنها یار و یاور پیامبر بود، بلکه مانند مادری پرمهر و خردمند برای تمام مسلمان ها مایه ی امید و پشت گرمی و قوت قلب و پناه و پشتیبان بود و با شکیبایی قهرمانانه، تحمل و مدارای عالی، سرمشقی برتر برای همه ی طالبان آن زمان و همه ی زمان ها بود.

خدیجه (سلام الله علیها) همیشه همتای زندگی خود، پیامبر را به پایداری و مقاومت مشورت می داد و با مهر و درایت، دردها و رنج های اجتماعی پیامبر را آرام می کرد و به یاری خدا به او راه حل و انگیزه می داد. نقش خدیجه (سلام الله علیها) در همراهی و همفکری و مشورت با پیامبر و مردم آزادی خواه از اوایل روزهای بعثت تا آخرین لحظات زندگی اش طوری بود که بار حلت آن بانو، نه تنها پیامبر و علی علیه السلام و مسلمانان، بلکه دوست و دشمن فهمیدند که اسلام پشتیبانی پر اعتبار و پیامبر، یار و مشاور و وزیری بهتر و توانمند و مردم مسلمان پناهگاهی استوار چون خدیجه (سلام الله علیها) را از دست داده اند. (۱۷)

و در این مورد آورده اند که: «وَكانَتْ خَديجَةُ وَزيرَةَ صِدْقٍ عَلَى الإِسلام، وَكانَ رَسُولُ اللهِ يَسْكُنُ اِلَيْها.»؛ (۱۸) «خدیجه (سلام الله علیها) وزیر راستین اسلام و مشاور خردمند و شجاع پیامبر بود، و آن حضرت به حمایت او بر انبوه مشکلات موفق می شود و آرامش پیدا می کرد.».

۶- صبر بر مشکلات

این بانوی جمال و کمال در دوران دشواری و سختی و درگیر و دار مشکلات طاقت فرسا که در زندگی اش با پیامبر رخ می داد و شکیباترین و پرتحمل

تر ین مـددکار بود و در برابر همه ی رویـدادهای سـخت و پی در پی سـنگ صـبور و حتی آرامش بخش دل پیامبر و اطرافیان بود.

مشکلات و سختی ها از سخن های گزنده و موضع گیری های زننده و جسارت و اهانت و دروغ انگاری به پیامبر و خانواده ی پیامبر تا بی اعتنایی هایی که از طرف زنان جاهل مغرض قریش به خدیجه داشـتند که چرا با آن همه حشـمت و شوکت با یتیم ابوطالب، محمد صلی الله علیه و آله که تهی دست و فقیر است.

ازدواج کرده، همه و همه را در قلب خود می فشرد و صبر می کرد ولی مشکلات اینجا ختم نمی شد و این زنان حتی تا بعد از ازدواج با پیامبر صـلی الله علیه و آله با خدیجه (سـلام الله علیها) قهر بودند و خدیجه (سـلام الله علیها) همچنان به این سختی ها صبر کرد و البته این صبر بی نتیجه نبود چون وقتی زمـان وضع حمـل زهرا (سـلام الله علیهـا) رسـید خداونـد بـا فرسـتادن چهار بانوی بهشتی او را مورد رحمت و لطفش قرار داد. (۱۹)

این بانو همچنین سال هایی طولانی شکنجه های جسمی و روحی دژخیمان مخالف را که بر همتای گرامی اش به خاطر دعوت به توحیـد و تقوا و رعـایت مقررات خـدا و حقوق بشـر بود، تحمـل کرد و همراهی پیـامبر را به هیـچ بهـایی از دست نـداد و با پذیرش تبعید و محاصره و تحمل گرسنگی و روزهای دشوار و بیداری شب های پر ترس و وحشت بر توفیقات خود می افزود. (۲۰)

خـدیجه (سـلام الله علیها) صبر بر مصـیبت های جان سوز دیگری در طول زندگی اش کرد، از جمله از دست دادن دو پسـرش قاسم و عبدالله بود، خدیجه (سلام

الله علیها) به راین مصیبت ها گریه می کرد ولی همیشه هیچ صبری بدون نتیجه نمی ماند؛ پیامبر صلی الله علیه و آله وقتی بی تابی خدیجه (سلام الله علیها) را دید به او فرمود: «یَا خَدِیجَهُ أَمَا تَرْضَیْنَ إِذَا کَانَ یَوْمُ الْقِیَامَهِ أَنْ تَجِی ءَ إِلَی بَابِ الْجَنَّهِ وَ هُوَ قَائِمٌ فَیَأْخُذَ بِیَدِکِ وَ یُدْخِلَکِ الْجَنَّهَ وَ یُنْزِلَکِ أَفْضَلَهَا وَ ذَلِکِ لِکُلِّ مُؤْمِنٍ إِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ أَحْکَمُ وَ أَکْرَمُ أَنْ یَسْلُبَ الْمُؤْمِنَ ثَمَرَهَ فُؤَادِهِ ثُمَّ یُعَذِّبَهُ بَعْدَهَا أَبَداً»؛ (۲۱) «ای خدیجه، آیا خشنود نمی شوی هرگاه روز قیامت شود جلو در بهشت برسی، آن کودک در آنجا ایستاده باشد و دستت را بگیرد و تو را به عالی ترین خانه ی بهشت جای دهد؟ این برنامه برای هر انسان با ایمانی وجود دارد، خداوند متعال بزرگوارتر است که میوه ی دل مؤمنی را بگیرد و ا و صبر و تحمل کند، و در راه خدا به حساب آورد و خدا را حمد و شکر کند، با این وصف خدا او را عذاب کند!؟».

۷- مهر و حق شناسی

زندگی خدیجه (سلام الله علیها) در شرایط جدید، هر روز زیباتر و با لطافت تر می شد، چرا که فضای زندگی اش لبریز از عشق و خرد و خداپرستی و انسان دوستی و شایستگی و درایت بود.

او به همتای زندگی اش مهر و عشقی آسمانی داشت و او را در اندیشه و کارها با تمام وجود یاری می کرد و در ابعاد مختلف زندگی، از نظر فرهنگی و اخلاقی و منش فردی و اجتماعی با او صحبت می کرد و در همه ی کارها با او دوستانه و قهرمانانه بود.

راستی اگر زندگی خانوادگی بر اساس هماهنگی در اندیشه و هدف و همگرایی در آرمان و

ادب تشکیل شود، در تمام مراحل آن مهر و عشق، رعایت حقوق متقابل و ارزش های مهم شخصیتی مخصوصاً حق شناسی و کم توقعی حاکم باشد، چقدر دوست داشتنی و سعادتمندانه خواهد بود.

این ویژگی در خدیجه (سلام الله علیها) بسیار بارز بود، چرا که او تا اندکی از اندیشه و منش بالا و موقعیت شکوه بار همسر خود در بارگاه خدا، و آینده ی درخشان او آگاه بود. به خاطر همین مانند یک زن نواندیش و با ادب، بلکه بهتر و بیشتر از آن، به همسرش احترام می گذاشت و در برابر او سراپا گوش و هوش و عشق و حق شناسی بود و تلاش می کرد آن طور که باید و شاید قدرشناس باشد.

در این زندگی حق شناسی و مهر و علاقه دوطرفه و متقابل بود، هم خدیجه (سلام الله علیها)، محمد را خردمندترین، تواناترین، گرامی ترین، عزیزترین، امانتدارترین، پاک ترین، پروا پیشه تر ین با معنویت تر ین و آراسته ترین انسان ها می دید و در مقابل محمد صلی الله علیه و آله نیز، خدیجه (سلام الله علیها) عشق می ورزید و احترام می گذاشت، احترامی که شایسته و بایسته و وصف ناپذیر بود.

این تکریم و حق شناسی محمد به خدیجه هم، نه تنها به خاطر ویژگی های بارز شخصیتی او یعنی معنویت و هوشمندی و نواندیشی و پاک منشی و... در زندگی بود بلکه به این خاطر بود که او را سالار دختران و زنان می دید، مادر نسل ماندگارش بود و فرهنگی از فضیلت ها، و مجموعه ای از عظمت ها و ارزش های بالایی بود، ارزش هایی که اگر تنها یکی از آن ها در زنی وجود داشته باشد، شایستگی قدرشناسی دارد.

پیامبر صلی الله علیه و آله به

خاطر عشق و علاقه ی متقابل هر جا می دیـد عـده ای تلاش می کننـد تا موقعیت والا و جایگاه خدیجه را در قلب پیامبر صـلی الله علیه و آله پـایین بیاورنـد یا از بین ببرنـد، پس از پنـد و انـدرزها و ظرافت های تربیتی و اخلاقی، با صـراحت و ظرافت، می فرمود: «کار عشق آن بانو، خدایی و آسمانی است، نه زمینی و زودگذر».

عایشه می گویـد: «به هیچ کدام از زنان پیامبر صـلی الله علیه و آله مانند خدیجه اش، احساس حسادت نکردم. چون او در قلب پیامبر، به طور خاص بود، به طوری که پیامبر صـلی الله علیه و آله نه تنها خـدیجه، بلکه هر کس و هرچه را که نشان از خدیجه داشت را می دید، به چشم دیگری نگاه می کرد.».

او هر وقت هدیه ای داشت، ابتدا سهم دوستان خدیجه را می فرستاد. یک بار به این کار او اعتراض کرد که: چقدر از شکوه و عظمت خدیجه می گویی!؟

آن حضرت فرمود: «اِنّی رُزِقْتُ حُبَّها.»؛ (۲۲) «خدا عشق او را رزق و روزیم ساخته است.».

و برای عایشه روشن کرد که نه تنها خود خدیجه و منش او را، بلکه دوستان او را نیز دوست دارد: «اِنّی لَاُحِبُّ حَبِیبَها.»(۲۳)

۸– ایجاد فضای پربرکت و معنوی در خانه

جـامعه هـا و تمـدن هـا در راه رشـد و کمـال به تدریـج به ارزش هـای اخلاـقی و انسانی، بها داده انـد و به پاکی و آزادگی و آراستگی به فضـیلت ها اهمیت داده اند، به خاطر همین برخی مکان ها و زمان ها مورد تجلیل و احترام قرار می گیرند و برای آن ها حریم و حرمتی در نظر گرفته می شود.

در نگرش اسلامی هم، همه ی مسجدها مخصوصاً «مسجدالحرام» مورد توجه قرار گرفته و برای حفظ حرمت آن، مقررات ویژه ای قرار داده اند که مثلاً از ورود آلودگان به

وبای شرک و میکروب کفر و حق ستیزی جلوگیری شود.

خانه ی خدیجه (سلام الله علیها) هم یکی از آن مکان های مقدس است، که به خواست خدا، و تلاش ها و تدبیرهای خود خدیجه (سلام الله علیها)، این سرا، سرای سعادت و سعادت زا و پربرکت و با معنویت و تاریخ ساز باقی ماند.

که به گواهی محدثان و تاریخ نگاران این خانه ی مبارک پیش از اسلام و فرود وحی و بعثت پیامبر، خانه ی پاکی و پروا بود چرا که بانویی در آن زندگی می کرد که همه و همه، آشنا و بیگانه و کوچک و بزرگ او را «طاهره»، پاک روشن و پاک منش می شناختند، او در این خانه، به انفاق و رسیدگی به محرومان و درماندگان جامعه و انجام کارهای شایسته ای که از آموزه های پیامبران پیشین و کتاب های آسمانی، یاد گرفته، می پرداخت.

- همچنین این خانه پیش از اسلام این سعادت و لیاقت را داشت که کانون مهر و محبت به محمد صلی الله علیه و آله گردید، خدیجه با نهایت صفا و اخلاص آن حضرت را به زندگی مشترک و پیوند مبارک.

دعوت کرد و او نیز پس از خانه ی ابوطالب آن خانه را برای زندگی خانوادگی انتخاب کرد و این خانه را پربرکت تر نمود.

به این ترتیب آن خانه، به عنوان پناهگاه برترین افراد یعنی پیامبر از شورش دژخیمان و تاریک اندیشان تبدیل شد، و خدیجه (سلام الله علیها) با تمام سعی خود به آن مرد زندگی اش پناه داد و همه ی اعتبار و وجاهت و نفوذ اخلاقی خود را برای تأمین سلامت و امنیت فدا کرد، با گذشت زمان آن خانه با معنویت تر می شد. همچنین مکانی شد برای

عروج پیامبر به سفر، یا سفرهای معراج بود، و آن حضرت از آنجا به «مسجدالاقصی» برای عروج به آسمان ها و عالم بالا رفت و محل برگشت آن حضرت هم دوباره همان خانه بود به این ترتیب اسلام در آن خانه ظهور کرد و پناهگاه مسلمانان هم شد.

– حضرت خدیجه (سلام الله علیها) در این خانه بود که یگانه دختر پیامبر صلی الله علیه و آله، حضرت زهرا (سلام الله علیها) را به دنیا آورد، و محل رشد و شکوفایی شخصیت پر معنویت آن دختر و محل انس و الفت او با مادرش خدیجه شد. این مکان محل دوران خردسالی و کودکی و نوجوانی و جوانی علی علیه السلام و محل رشد و تربیت او هم بود.

از همه ی این ها برتر و بالاتر، آن خانه محل فرود فرشته ی وحی و رفت و آمد فرشت گان بود، که گروه به حضور پیامبر می آمدند و می رفتند. در سال های اولیه ی بعثت که شرک گریان و محافظه کاران و مخالفان تحول و دگرگونی جامعه که بر آزادی و امنیت او هجوم می آوردند، تنها آن خانه بود که کانون امن و امان و محل پرستش خلوت و آرام آن حضرت و خدیجه و علی علیه السلام و برخی از پیشگامان دیگر بود.

و به دنبال این مشکلات بود که شبی پرخطر اتفاق افتاد و امیرالمؤمنین جان خود را به خطر انداختند و برای تضمین سلامت و امنیت پیامبر، بر رختخواب پیامبر که از همین خانه بود خوابید و به آن افتخار بزرگ رسید و پیامبر توانستند از حلقه ی محاصره ی دشمن به سوی غار «حرا» و از آنجا به سمت مدینه رفتند، و دختر گران مایه

اش فاطمه (سلام الله علیها) در این بحران در آن خانه ماند و خدا می داند که در آن شب سخت چه وحشت و دلهره ای بر او حاکم شد و تنها این خانه بود که سرای ایمان، مبدأ هجرت، و شاهد دغدغه ها و دلهره های فاطمه (سلام الله علیها) است.

این نکات مهم و سرنوشت ساز در مورد این خانه، هرکدام نشان دهنده ی آن است که خدیجه و خانه ی او دارای چه شایستگی و برازندگی بوده است و چه درایتی و مدیریتی داشته که توانسته این خانه را این طور با معنویت حفظ کند و این رویداهای بزرگ و تاریخ ساز در آن اتفاق بیفتد.

چرا که مسلماً تردیدی نیست که این رویدادهای مقدس و آسمانی، در مکان پاک و پاکیزه و با معنویت اتفاق می افتد، نه در جایی که مقدس نباشد.

پس وظیفه ی مردم و عالمان فرهیخته و زمامداران کشورهای مسلمان نشین است تا با کسب موافقت و همکاری دولت حجاز، این اقامتگاه پر معنویت را به طور دقیق پیدا کنند (۲۴)، و آن را آباد کنند و بسازند، تا زائران خانه ی خدا در سفر حج و عمره، در آنجا به پرستش خدا و نیایش بپردازند، و ضمن استفاده از برکات آن خانه با ویژگی های شخصیتی خدیجه (سلام الله علیها) آشنا شوند و فکر کنند که چطور می شود خود و دنیای خود را بشناسند و با الگو گیری زندگی و ازدواج آن بانو، با بهترین سبک زندگی تشکیل دهند و موفق باشند.

از امام باقر علیه السلام آورده اند که: «اِنَّ رَسُولَ اللهِ لَمَّا اُسْرِیَ بِهِ نَزَلَ جبَرئیلُ بِالبُراقِ... عَلی بابِ خَدیجه... »؛ «به هنگام فرار رسیدن لحظه ی سفر وصف ناپذیر

معراج، فرشته ی وحی آن مرکب ویژه را به در خانه ی خدیجه آورد... و پیامبر پس از نشستن به آن به سوی قدس شریف رفت و در آنجا پیامبران خدا به پیشواز آن حضرت آمدند؛ و با اذان فرشته ی وحی، همگی بر پیامبر اقتدا کردند و نماز خواندند... ».

در مورد آن خانه ی پر معنویت آمده: «وَ مَسْتَحَبُ فِی مَکّه التشرِفُ فِی مَنزِلِ خَدیجه»؛ (۲۵) «و از کارهای پسندیده در مراسم حج و تشرف به مکه، دیدار از خانه ی پرخاطره ی خدیجه (سلام الله علیها) و زیارت آن است.».

۹- قدرت مدیریت

اسناد تاریخی نشان می دهد که حضرت خدیجه (سلام الله علیها)، زن شریف و ثروتمند و صاحب امکاناتی بود که به تجارت گسترده ای مشغول بود. کارگزاران و کارمندان و عوامل اجرایی را، از میان انسان های سالم و امانت دار و درستکار و آزمون شده استخدام می کرد و خودشان هم در مرکز و خانه و محل کارش می نشست و این کاروان تجارتی را با مدیریت قوی خود هدایت می کرد و به کارهای اقتصادی خود می رسید.

با دقت در انتخاب وقت و فرصت، نوع کالا ـ و مقدار آن، حرکت و بازگشت و توقف کاروان را با آگاهی از زمان و مکان، طوری تنظیم و تدبیر و برنامه ریزی می کرد که مورد تحسین کاروان بزرگ تجارتی اش می بود.

از یمن به حجاز می رفت و از حجاز به شام و دیگر مراکز مهم اقتصادی و تجاری، و سود سرشار و عادلانه و فراوانی به دست می آورد.

اگر به شرایط آن روز جهان و دنیای عرب و قلمرو حجاز در آن زمان آشنا باشیم، و نیز اگر اسارت و محرومیت کامل «زن» از حقوق انسانی و اجتماعی اش را

به یاد آوریم، و زنده به گور کردن دختران را بدانیم، آنگاه اداره ی امر مهم اقتصادی به وسیله ی یک دختر هوشمند و پاک منش و به مدیریت توانمند و ظریف او، ما را به شخصیت و ویژگی معنوی و برجسته و ابتکار او در کارها و روح مدیریت و سازنده ی او آشناتر می کند که واقعاً او در آن روزگارها، خردمندترین و مدبرترین و کارآمدترین زنان بود.

از همه مهم تر او بر طبق رسم رایج بازار آن زمان، یعنی احتکار و انحصار، کم فروشی و فریب، رباخواری و بهره کشی های ظالمانه ی رایج و از هر نوع حرام خو ارگی مرئی و نامرئی و سوءاستفاده از فرصت و اعتبار و امکانات برای انباشتن ثروت دوری می کرد و کار پر شرافت خود را به این گناهان بزرگ آلوده نمی کرد و به کارگران و کارمندان و مدیران خود نیز هشدار می داد که داد و ستد و سود و درآمد را با صداقت و هوشمندی و از راه های مشروع و عادلانه ی تجارت و صادرات و واردات و خدمت به کشور و ملت و تعهد و تخصص به دست آورند.

او به دلیل همین ویژگی های برجسته ی اخلاقی و انسانی و مدیریت منطقی و خردمندانه نه تنها اعتماد بازارهای داخلی، بلکه بازارهای منطقه ای را هم به دست آورده بود و راه پیشرفت و ترقی و رشد را برای دیگران هم باز می کرد، در نتیجه راه های موفقیت او بازتر می شد و مورد استقبال بازارهای مصر و یمن و شام و حبشه و...قرار می گرفت. (۲۶)

۱۰- ابتکار و استقلال جویی

استقلال جویی و استقلال طلبی و استقلال اندیشی این بانو از لابه لای رفتار و کردار شایسته اش پیدا می شود، و این

از برجستگی ها و امتیازات بلند او بشمار می رود. چرا که اگر انسان از نظر فکر و اندیشه، متکبر و مستقل نباشد، نمی تواند در میدان عمل و تجارت و مدیریت و حساس ترین لحظات تصمیم گیری، به طور مستقل فکر کند و عمل کند.

حضرت خدیجه (سلام الله علیها) بر اساس این ویژگی بود که ده ها خواستگار دارنده ی زر و زیور و کاروان تجارتی و صاحب امکانات را قبول نکرد و به همه ی آن ها «نه»! گفت و طوری عمل کرد که همه فکر کردند او تصمیم به ازدواج ندارد، اما وقتی که او با انسانی امین و پاک دل و متفکر و شایسته کردار و روحی بزرگ یعنی محمد صلی الله علیه و آله آشنا شد، همه ی آداب و رسوم جاهلی و خرافی را مسخره کرد و خود پیشنهاد ازدواج به محمد داد.

و وقتی غوغایی از هیاهو و جنجال به راه افتاد که دختر ثروتمند و مقتدری چون شما با جوان تهی دستی چون محمد نباید ازدواج کند، با قدرتی استوار و ابتکار، ایستاد و همه ی ثروت و امکانات خود را به محمد صلی الله علیه و آلهبخشید و نشان داد که حُسن انتخاب، حُسن عاقبت، سعادت، شخصیت، عظمت، شکوه و... چیزی است که برای به دست آوردن آن نه تنها پول، کاروان تجارتی، زر و زیور، شهرت و قدرت، مهم نیست، بلکه باید از هستی گذشت.

یکی از اسناد تاریخی آورده است که: «وَکانَت خَدیجه اِمْرَاهً حازِمَهً نَبیلَهً شَریفهً... قالَت: یابْن عَمّ! اِنّی رَغِبتُ فیکَ لِقرابَتِکَ مِنّی وَ شَرَفِکَ مِنْ قَوْمِکَ وَ اَمانَتِکَ عِنْدَهُمْ وَصِدْقِ حَدیثِکَ وَ حُسْن خُلْقِکَ... »؛ (۲۷) «خدیجه (سلام الله علیها) به راستی بانویی خردمند

و خردورز و بسیار پر شرافت بود. او در روزگار خود از نظر ریشه و تبار از بهترین های قریش بود و از نظر ثروت و امکانات، ثروتمندان آن ها بود. بسیاری از چهره های سرشناس عرب و عجم برای پیوند با او سخت می کوشیدند و خواستگار بی قرار او بودند اما او به آنان پاسخ منفی داد و در همان حال خود با هوشمندی و آینده نگری به خواستگاری پیامبر رفت و گفت: من به خاطر خویشاوندی و همفکری و به دلیل شرافت، امانت، راستی و منش شایسته ات دل در گرو مهر تو دارم و به آن هستم که اگر بپذیری با تو پیمان زندگی مشترک امضا کنم.».

۱۱– هدف داری و فداکاری

این ویژگی را می توان در تمام ویژگی های بارز خدیجه (سلام الله علیها) دید، زندگی پرفراز و نشیب او و نشانه ی آن است که به دنبال هدف پاک و صاف و بلند و درخشانی بود. هدفی بالاتر از زر و زیور دنیا و کاروان های تجارتی و...هدفی بالاتر از زندگی روزمرّه و خور و خواب، و هدفی ارجمندتر از آسایش و آرامش و شخصی و خانوادگی.

این بانو مانند موجِ بی قراری بود که در راه هدف، آرامش نداشت ولی وقتی به ساحل وجود محمد صلی الله علیه و آله رسید و در آن جا به عدالت خواهی و حق و ایمان و اخلاص، پاکی و امانت، نجابت و شرافت، بشردوستی و کرامت، وجدان و فطرت و دیگر ارزش های انسانی و خداپسندانه را دید خود را در نزدیکی هدف دید.

و از اینجا می توانیم به راز احترام بسیار پیامبر به «خدیجه» برسیم، به این که پیامبر چقدر او را دوست داشتند و به او

احترام می گذاشتند، در فراز و نشیب زندگی، توفان های اجتماعی و فرهنگی، او را از مشاوران خود می دانستند و از دیدگاه های او استفاده می کردند. (۲۸)

و همیشه نیکی های «خدیجه» بر زبان پیامبر بود و برای هرکس که از آن بانو خاطره ای داشت، احترام قائل بودند.

بسیار در تاریخ آمده است که پیامبر صلی الله علیه و آله می فرمودند: «خَدیجَهُ وَاَینَ مِثْلُ خَدیجَهِ؟....»؛ (۲۹) «از خدیجه سخن گفتید، کجا مانند او پیدا می شود؟....».

۱۲- حق جویی و حق پذیری

در این دنیا خیلی از افراد هستند که مستی های گوناگون، آفت جانشان می شود و نعمت های زندگی بلای وجودشان و رزق و روزی های خدا، زهر تلخ و موجب مرگشان می شود. یکی در اوج زیبایی و تناسب اندام است، و همان مستی زیبایی و ماهرویی، آفت جانش می شود.دیگری غرق در ثروت و امکانات است و از در و دیوار و آسمان و زمین برایش می ریزد، ولی همان ثروت و دارایی او را به تباهی و نابودی می کشاند.سومی در اوج اقتدار است و روزگار بر وفق مُرادش است، و این چرخش یکنواخت روزگار و احساس بی نیازی، او را از چرخش ناگهانی آن غافل ساخته و به طغیان می کشاندش.چهارمی مست جوانی است، و این نیروی جوشان و خروشان، قاتل جان و ایمان و خروش می شود.یکی دریای موّاج آگاهی ها و دانش هاست و در مستی آن غرق است و دیگری در اوج شهرت است و همان آلت قتالهٔ شخصیت او می شود.یکی بر کرسی قدرت و فرمانروایی جا خوش کرده و همان ریاست و راحتی، او را به خودکامگی و طغیان می رساند و دنیا و آخرتش را می سوزاند و او را از راحتی به ناراحتی می رساند. همین طور می توان شمرد و

تمام هم نمی شود... اما این بانوی بلندمرتبه، با اینکه غرق در زر و زیور، جمال و کمال، شور و شعور، عقل و درک، شهرت و آواز، و استقلال و...بود، از آفت ها و مستی های آن ها خود را حفظ کرد چرا که دارای روح حق پذیری و حق جویی بود، به خاطر همین هم نخستین ایمان آورنده ی به خدا و پیامبر از زنان و پیشگام تر ین در اسلام و نماز و هجرت و جهاد و فداکاری بود.

سپس پاداش این حق پذیری هم این بود که خدای پرمهر و بنده نواز، به فرشته ی وحی فرمان داد که در وقت فرود بر پیامبر صلی الله علیه و آله، درود و سلام او را هم به وسیله ی بنده ی برگزیده اش به خدیجه (سلام الله علیها) برساند، تا ثابت شود که خدا به پاداش آن ایمان خالص و ژرف و آن اعمال شایسته و پایدار، مقر زیبایی در بهشت برای او آماده کرده است (وَبَشِّرُها بَیْتٍ فِی الجَنَّهٍ مِن قَصْبٍ لاضحبٍ فیه وَلا نَصب...)(۳۰)

۱۳– درایت و خردمندی

نعمت خرد و خردمندی و خردورزی درست، یعنی نگاه متفکرانه بر پدیده های آفرینش و شناخت روابط آن ها، یعنی دقت در سازمان وجودی خودمان، یعنی هدف داری و هدف شناسی و آراستگی به ارزش ها و پیراستگی از ضد ارزش ها و در کل یعنی اوج گرفتن به بندگی و ساختن شایسته و بایسته ی دنیا و آخرت بر اساس حق و عدل و برابری و ایثار و فداکاری.

«اَلعَقلُ ما عُبِدَ بِهِ الرَّحْمن وَ اکْتُسِبَ بِهِ الَجنان»؛ (۳۱) «عقل آن است که به وسیله ی آن خدای رحمان پرستش شود و به وسیله ی آن بهشت نصیب انسان شود.».

با دقت در

معنای عقل، پس در نتیجه خدیجه (سلام الله علیها) خردمندترین بانوان روزگار است، چرا که او در پرتو خروش بود که نخستین بانویی بود که ایمان و اسلام آورد، همراز و هم سنگر و مددکار پیامبر صلی الله علیه و آله شد و همه ی هستی خود را خردمندانه برای ساختن دنیا و آخرتش ریخت و فدا کرد.

او در این راه، جهاد و فداکاری می کرد، پیامبر را دلداری می داد، به او امید می داد، او را دلگرم می کرد و پناهش می داد.

یکی از نوشته های تاریخی می گوید: «وَکانَتْ مِنْ اَحْسَنِ النِّساءِ جَمالاً، وَاَکْمَلُهُنَّ عَقلاً، وَاَتَمَهُنَّ رَأیاً، وَاَکْثَرُهُنَّ عِفَّةً وَدیناً وحیاءً وَمُرُوَّةً وَمالاً... »؛ (۳۲) «خدیجه (سلام الله علیها) در زیبایی ظاهری و باطنی، زیباترین زنان روزگارش بود و از نظر خرد و اندیشه، خردمندترین و اندیشمندترین آنان، او در پاک روشی و پاک منشی، دین باوری و خداجویی، وقار و حیا و عزت و آزادگی آراسته ترین ها بود و در ثروت و امکانات، ثروتمندترین آن ها بشمار می رفت.».

نتیجه

با توجه به ویژگی های مطرح شده مشخص است که، حضرت خدیجه (سلام الله علیها) دارای خود اندیشی و نو اندیشی هستند. این بانوی مکرمه اگرچه از تبار انسان های اصیل و با شرافت عرب آن زمان بودند لیکن خودشان، دارای امتیازات تحسین برانگیزی بودند و همواره برای رشد و پرورش چنین صفات انسانی و خداپسندانه تلاش می کردند.

پی نوشت ها

۱۶- شیبانی، الکامل، ج ۲، ص ۶۳؛ عبدالرحمن ابوالفرج ابن جوزی، المنتظم فی تاریخ الامم و الملوک، ج ۲، ص ۳۶۷؛ ابن سعد، الطبقات الکبری، ج۱، ص ۱۴۷؛ عبیدالله بن احمدحسکانی، شواهد التنزیل لقوائد التفضیل، ج ۱، ص ۴۸۵.

۱۷- زین الدین محمدبن علی ابن شهر آشوب، مناقب ال ابی طالب، ج ۱، ص ۱۷۵.

۱۸- محمدباقرمجلسی، همان، ج ۱۶، ص ۱۱.

۱۹- همان، ج ۱۶، صص ۷۱-۷۰؛ سیلاوی، همان، ص ۱۰۲.

۲۰- محمدبن جریر طبری، تاریخ طبری، ج ۲، ص ۷۹؛ ابن هشام، سیره ی ابن هشام، ج ۱، ص ۳۷۹.

۲۱- محمدبن یعقوب بن اسحاق کلینی، اصول کافی، ج ۳، ص ۲۱۸؛ محمدبن حسن بن علی بن محمدبن حسین حرعاملی، وسایل الشیعه، ج ۳، ص ۲۴۳.

۲۲- گنجی شافعی، کفایه الطالب، ص ۳۵۹.

۲۳- ذبیح الله محلاتی، همان، ج ۲، ص ۲۰۶؛ عزالدین ابن اثیر، همان، ج ۵، ص ۴۳۸.

۲۴- محمدباقرمجلسی در زمان خود از بعضی از بزرگان آورد که: مکان این خانه در مکه معلوم و مشهور است. بحارالانوار، ج ۲۲، ص ۱۶۷.

۲۵- مرتضی ابن محمدامین دزفولی، مناسک حج، ص ۱۲۲؛ محمدحسن نجفی، جواهرالکلام فی شرح شرایع الاسلام، ج ۲۰، ص ۶۹.

۲۶- سبط ابن الجوزی، تذکره الخواص، ص ۲۷۱.

۲۷- محمدالحسون، همان، ص ۱۹.

۲۸- محمدباقرمجلسی، همان، ج ۱۶، ص ۱.

۲۹- ذبیح الله محلاتی، همان،

ج ۲، ص ۲۰۷؛ محمدباقرمجلسی، همان، ج ۴۳، ص ۱۳۰.

۳۰- سبط ابن الجوزی، همان، ص ۲۷۲.

۳۱- محمدحسین طباطبایی، تفسیرالمیزان، ج ۲، ص ۳۷۶، به نقل از اصول کافی، ج ۱، ص۱۱.

۳۲- ذبیح الله محلاتی، همان، ج ۲، ص ۲۰۴.

کتابنامه

طبری، محمد بن جریر، تاریخ طبری، بیروت، دارالکتب العلمیه، بی تا.

ابن اثیر، عزالدین، اسد الغابه، بیروت، انتشارات دارالفکر،۱۴۰۹ه.

ابن اثیر، عزالدین، اسدالغابه، بیروت، دارالفکر،۱۴۰۹ه.

ابن جوزی، عبد الرحمن، المنتظم فی تاریخ الامم و الملوک، بیروت، انتشارات صادق،۱۳۵۸ه.

ابن سیدالناس، عیون الأثر، بیروت، انتشارات دار القلم،۱۴۱۴ه.

ابن شهر آشوب، زین الدین محمدبن علی، مناقب ال ابی طالب، بی جا، انتشارات ذوی القربی، چاپ دوم، بی تا.

ابن هشام، سیره ی ابن هشام، بیروت، انتشارات دارالجیل،۱۴۱۱ه.

اربلی، علی بن عیسی، کشف الغمه، تبریز، مکتبه ی بنی هاشم،۱۳۸ش.

امین انصاری، مرتضی ابن محمد، مناسک حج، قم، انتشارات مجمع فکر اسلامی،۱۴۲۵ه.

بحرانی، سید هاشم، البرهان فی تفسیرالقرآن، تهران، انتشارات موسسه بنیاد بعثت،۱۴۱۶ه.

البصری الزهری، محمد بن سعد، الطبقات الکبری، بیروت، دار النشر دار صادر بی تا.

بیهقی، دلائل النبوه، بی تا، بی جا.

تهرانی، محمد، الفرقان فی تفسیرالقرآن بالقرآن، قم، انتشارات فرهنگ اسلامی،۱۳۶۵ ش، چاپ: دوم.

جوزی حنفی، سبط بن فرج، تذکره الخواص، شریف رضی،۱۴۱۸ ه، قم.

حرعاملی، محمد بن حسن، وسایل الشیعه، قم، مؤسسه ال البیت،۱۳۰۸ه.

حسکانی، عبید الله، شواهد التنزیل لقوائد التفضیل، تهران، وزارت ارشاد،۱۴۱۱ه.

حسنی، سید بن طاووس، الإقبال، تهران، دارالکتب الاسلامیه،۱۳۶۷ش .

حسنی، سید بن طاووس، منهج الدعوات، قم، دارالذخائر،۱۴۱۱ه.

الحسون، محمد، اعلام النساء المؤمنات، بی جا، انتشارات اسوه،۱۴۱۱ه.

حلی، علی بن یوسف، العدد القویه، قم، انتشارات سید الشهداء،۱۴۰۸ه.

راوندی، قطب الدین، الخرائج و الجرائح، قم، مؤسسه امام مهدی،۱۴۰۹ه .

راوندی، قطب الدین، الخرائج والجرائح، قم، مؤسسه امام مهدی،۱۴۰۹ه.

سیلاوی، الانوار الساطعه، چابخانه علمیه،۱۴۲۱ه.

شیبانی، محمد بن

عبد الکریم، الکامل فی التاریخ، دار النشر، دار الکتب العلمیه، بیروت،۱۴۱۵ ه، الطبعه : ط ۲، تحقیق : عبد الله القاضی.

صالحی شامی، یوسف، سبل الهدی و الرشاد فی سیره خیرالعباد، بیروت، دارالکتب العلمیه،۱۴۱۴ه .

طبری، عماد الدین، بشارت المصطفی، نجف اشرف، انتشارات کتابخانه حیدریه، چاپ : دوم،۱۳۸۳ هجری.

طوسی، محمد بن حسن، امالی طوسی، قم، انتشارات دارالثقافیه،۱۴۱۴ه.

عسقلانی، ابن حجر، الأصابه، بیروت، دارالکتب العلمیه،۱۴۱۵ه.

فرات کوفی، فرات بن ابراهیم، تفسیر فرات کوفی، مؤسسه چاپ و نشر وابسته به وزارت ارشاد اسلامی چاپ : اول،۱۴۱۰ هجری.

قمی مشهدی، محمد رضا، کنز الدقائق، تهران، سازمان چاپ وانتشارات وزارت فرهنگ اسلامی،۱۳۶۸ش.

کفعمی، ابراهیم بن علی، مصباح کفعمی، قم، انتشارات رضی (زاهدی)، چاپ : دوم،۱۴۰۵ هجری.

کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تهران، دارالکتب الاسلامیههچاپ چهارم،۱۳۶۵ش.

الگنجی الشافعی، محمد بن طلحه، کفایه الطالب فی مناقب علی بن أبی طالب، داراحیاء تراث اهل البیت، طهران، ۱۴۰۴ ه، چاپ سوم.

مامقامی، عبد الله، تنقیح المقال، نجف، طبع رحلی، چاپ سنگی، مطبعه رضویه، بی تا.

مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، بیروت، مؤسسه الوفا،۱۴۰۴ه.

محدث نوری، مستدرک وسائل الشیعه، قم، مؤسسه آلالبیت،۱۳۰۸ه.

محلاتی، ذبیح الله، ریاحین الشریعه، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ هفتم،۱۴۰۴ه.

مقریزی، احمد بن علی، امتاع الاسماع، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۲۰ه.

نجفی، محمدحسن، جواهرالکلام فی شرح شرایع الاسلام، بی جا، دار الاحیاء للتراث العربی، چاپ هفتم، بی تا.

واسطی معروف به ابن المغازلی (شافعی)، علی بن محمد، المناقب، دار الاثار، یمن، صنعا،۱۴۲۴، چاپ اول.

یاقوت حموی، معجم البلدان، بی جا، انتشارات دارالصادر، چاپ دوم ۱۹۹۵ه.

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که مـا را در دستیـابی به این هـدف یـاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادنـد تقـدیر و تشـکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصـفهان -خیابان عبـدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شـهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹